

قلمرو فکری: بیا راه و رسم عاشقی را رعایت کنیم و یادی کنیم از یاران عاشقی (شهادایی) که دیگر در کنار ما نیستند.

۲- از آنها که خونین سفر کرده اند سفر بر مدار خطر کرده اند

قلمرو زبانی: آنها: شهدا، رزمندگان / مدار: جای دور زدن / مدار کردن به چیزی: با آن گذراندن

قلمرو ادبی: کنایه: مدار کردن به چیزی. استعاره: خطر مانند چیزی است که مدار دارد

قلمرو فکری: یاران عاشقی که شهید شدند و همیشه با خطر همراه بوده اند.

۳- از آنها که خورشید فریادشان دمید از گلوی سحر زادشان

قلمرو زبانی: آن‌ها: شهدا، رزمندگان / دمید: فعل ماضی ساده

قلمرو ادبی: تشبیه: خورشید فریادشان (فریادشان مانند خورشید روشنی بخش و گرما بخش است) / استعاره: گلوی سحر زاد (گلویشان مانند موجودی است که سحر می‌زاید) / مجاز: گلو مجاز از دهان

قلمرو فکری: یاد کنیم از آنهایی که فریادشان چون خورشید روشنی بخش است و از دهانشان، راستی درستی طلوع می‌کند.

۴- چه جانانه چرخ جنون می‌زند دف عشق با دست خون می‌زند

قلمرو زبانی: جانانه: جان + انه / چرخ جنون: رقص دیوانگی / با دست خون: دست خون آلوده شده / دف: نوعی ساز،

قلمرو ادبی: تناقض (پارادکس): چرخ جنون (رقص هنگام شادی و آگاهی است) / با دست خون آلوده دف زدن.

تشبیه: دف عشق (عشق مانند دفی است که می‌زند) / کنایه: دف زدن (شادی کردن)

قلمرو فکری: چقدر عاشقانه و زیبا، دیوانه وار رقص عاشقانه می‌کنند؛ با دستانی خون آلوده شده به شادی می‌پردازند.

۵- به رقصی که بی‌پا و سر می‌کنند چنین نغمهٔ عشق سر می‌کنند:

قلمرو زبانی: نغمه: آوا / سر می کنند: می سرایند

قلمرو ادبی: تناقض (پارادوکس): بی پا و سر رقص کردن

تشبیه: عشق مانند نغمه ای است که می سرایند.

قلمرو فکری: آنانی که، بی پا و سر، رقص عاشقانه می کنند و آوازهای شادی سر می دهند.

۶- هلا منکر جان و جانان ما بزن زخمِ انکار بر جان ما

قلمرو زبانی: هلا: آگاه باش / مُنکِر: انکار کننده /

قلمرو ادبی: تشبیه: زخم انکار (انکار مانند زخمی است)

کنایه: زخم انکار زدن کنایه از «سرزنش کردن»

قلمرو فکری: آگاه باش ای کسی که جان و جانان ما را منکر هستی و ما را سرزنش می کنی...

۷- بزن زخم، این مرهمِ عاشق است که بی زخم مردن، غم عاشق است

قلمرو زبانی: مرهم: هر دارویی که روی زخم گذارند، التیام بخش. / بی زخم مردن: مرگ معمولی و طبیعی.

قلمرو ادبی: استعاره: زخم استعاره از «سرزنش» /

تشبیه: زخم مانند مرهم است

تا می توانید، با سرزنش های تان بر ما زخم بزنید (برای ما جای نگرانی نیست)؛ غم عاشق آن است که در راه معشوق جان نسپارد و به مرگ طبیعی بمیرد.

۸- مگو سوخت جان من از فرط عشق خموشی است هان، اولین شرط عشق

قلمرو زبانی: سوخت: سوخته شد (از افعالی هست که گاهی نیاز به مفعول دارد و گاهی نیاز به مفعول ندارد) / از فرط: در نتیجه فراوانی و بسیاری. / خموشی: ساکت بودن، دم بر نیاوردن. هان: شبه جمله، آگاه باش

قلمرو ادبی: استعاره: جان مانند چیزی است که سوخته می شود / عشق مانند آتشی است که می سوزاند. /

قلمرو فکری : مگو : « جانم از شدت عشق سوخته شده است » ؛ بدان که اولین شرط عشق و عاشقی ، سکوت کردن در برابر ناملايمات است.

۹- بين لاله هايي كه در باغ ماست خموشند و فريادشان تا خداست

قلمرو زباني: لاله : شهيد ، ايتارگر / باغ: جامعه ، سرزمين

قلمرو ادبي: استعاره : لاله / باغ

تناقض (پارادوكس) : خموشند و فريادشان تا خداست تناسب: لاله ، باغ

قلمرو فکری : اين لاله هايي (شهدا) كه در سرزمين ما هستند را با دقت نگاه كن كه چگونه ساكت هستند و فرياد سكوت شان تا عرش بالا مي رود.

۱۰- بيا با گل لاله بيعت كنيم كه آلاله ها را حمايت كنيم

قلمرو زباني: لاله/ آلاله : شقايق ، لاله نعماني

قلمرو ادبي : تشخيص: بيعت با لاله / حمايت از الاله.

بيا دوباره با گل هاي لاله بيعت كنيم و از شقايق دو باره حمايت كنيم.

هم صدا با حلق اسماعيل ، سيد حسن حسيني

کاگاه متن پژوهی

قلمرو زباني ۱- معادل معنایی واژه های زیر را بنویسید

منكر آيينه باشد چشم کور دشمن آيينه باشد روی زرد

عمادی شهریاری

ای داور زمانه ، ملوک زمانه را جز بر ارادت تو مسير و مدار نيست

مسعود سعد سلمان

۲- همان طور كه مي دانيد ، صفت بياني ، براي توضيح و وصف يك واژه به كار مي رود. واژه اي كه وصف مي شود ، موصوف نام دارد.

مثال: کتاب _ خواندنی

موصوف صفت

* به پر کاربرد ترین صفت های بیانی توجه کنید:

(۱) مطلق: پاک ، روشن (جوانِ پاک ، روزِ روشن)

بن مضارع + نده: شنونده (شخصِ شنونده)

بن مضارع + ا: گویا (کتابِ گویا)

بن مضارع + ان: خندان (دانش آموزِ خندان)

بن ماضی / بن مضارع + گار: آفریدگار ، آموزگار (خداوند آفریدگار، انسانِ آموزگار)

بن ماضی + ار: خریدار

(۳) مفعولی: بن ماضی + ه / ه (= -) شکفته

(۴) لیاقت : مصدر + ی : نوشیدنی

اسم + ی : آسمانی (کتابِ آسمانی)

اسم + ین : زرّین (گردن بندِ زرّین)

اسم + ینه: سیمینه (گلدان سیمینه)

اسم + انی : روحانی (مردِ روحانی)

اسم + انه : (سخن کودکانه)

* اکنون مانند نمونه جدول را کامل کنید:

فعل	بن مضارع	صفت فاعلی	صفت لیاقت	صفت مفعولی
نوشت	نویس	نویسنده	نوشتنی	نوشته
خواندم	خوان	خواننده	خواندنی	خوانده

قلمرو ادبی ۱- از متن درس ، برای هر آرایه ادبی نمونه ای مناسب بیابید و بنویسید:

تشبیه : (دف عشق)

متناقض نما: (خموشند و فریادشان تا خدا است)

۲- شعر « یاران عاشق » را از نظر قالب و مضمون ، با شعر « زاغ و کبک » مقایسه کنید.

قلمرو فکری ۱- در بیت سوم ، مقصود از یاران عاشق ، چه کسانی است و به کدام ویژگی آنها اشاره شده است؟
شهدا ، ایثارگران . فریادشان مثل خورشید روشنی بخش است/ سپیده سحر و پیروزی از گلوی شان می دم

۲- در بیت آخر ، بر کدام یک از ارزش های انقلاب اسلامی تأکید شده است؟

بیعت دوباره با شهدا و آرمان های انقلاب

۳- نخست ، مفهوم کلی بیت های زیر را بنویسید ؛ سپس برای هر یک ، بیتی متناسب از متن درس بیابید.

الف) ای مرغ سحر ، عشق ز پروانه بیاموز کان سوخته را جان شد و آواز نیامد سعدی
ای انسان سالک عشق حقیقی را پروانه یاد بگیر ، که جانش را از دست داد اما فریادی نکشید. (سکوت کردن در برابر سختی های عشق)

مگو سوخت جان من از فرط عشق خموشی است هان ، اولین شرط عشق

ب) چه از تیر و چه از تیغ ، شما روی نتابید که در جوشن عشقید ، که از کرب و بلا بید. حمید
سبزواری

روی تابیدن : روی برگردانیدن / جوشن : زره

تشبیه : عشق مانند جوشنی است. / تلمیح : به واقعه کربلا

(هیچگاه از عشق روی بر نمی تابید)

هلا منکر جان و جانان ما بزن زخم انکار بر جان ما

صبح بی تو

شعر خوانی

۱- صبح بی تو رنگ بعد از ظهر یک آدینه دارد

۲- بی تو می گویند تعطیل است کار عشقبازی

۳- جغد بر ویرانه می خواند به انکار تو اما

۴- خواستم از رنجش دوری بگویم ، یادم آمد

۵- در هوای عاشقان پر می کشد با بی قراری

بی تو حتی مهربانی حالتی از کینه دارد

عشق اما کی خبر از شبه و آدینه دارد

خاک این ویرانه ها بویی از آن گنجینه دارد

عشق با آزار خویشاوندی دیرینه دارد

آن کبوتر چاهی زخمی که او در سینه دارد

۶- ناگهان قفل بزرگ تیرگی را می گشاید

آنکه در دستش کلید شهر پر آینه دارد

قیصر امین پور

درک و دریافت

۱- در خوانش این سروده ، به چه نکاتی باید توجه کنیم؟

خوانش و لحن شعر ومکث و درنگ واژه ها و جملات

۲- « انتظار موعود » یکی از مایه های ادبیات انقلاب اسلامی است ؛ بر این مبنا ، متن شعر خوانی را بررسی کنید.